



Comparative assessment of informal urban settlements with emphasis on the right-to-the-city approach

Ali Samadi^{1*}, Ali Mosayyebzadeh² and Amir Ziya Sabunchi^{3*}

¹ PhD student of urban planning, Central Tehran Azad University, Tehran, Department of Architecture and Urban Development, School of Engineering, Afagh Higher Education Institute, Urmia, Iran.

² Assistant Professor of Urban Planning Department, Urmia University, Urmia, Iran.

³ PhD student of Architecture, Azad University of Tabriz, member of faculty of Afaq Institute of Higher Education, Urmia, Iran.

* Corresponding Author, a.samadi@afagh.ac.ir

Receive Date: 12 August 2021

Accept Date: 12 November 2021

ABSTRACT

Introduction: In recent years, the right-to-the-city approach, as an effective concept in the reproduction of social relations and the right to life, has defined the participation of citizens in shaping their daily self-centered life. Moreover, informal settlements with a high level of deprivation in access to services and various activities of urban life have essential requirements in urban management and planning.

Objectives: The present study, with an applied purpose and a descriptive-analytical method, tries to the comparative evaluation of study areas from the perspective of access and enjoyment of the components of the right approach to the city.

Methodology: The research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of content. Data collection is through interviews, observation and questionnaires. Test analysis was performed based on samples from groups of urban experts and citizens based on Swara, Friedman and Vikor techniques.

Geographical Context: Koshtargah and Islamabad 2 neighborhoods of Urmia, are the two sites of the study area.

Results and Discussion: The findings showed that the components of difference in the provision of public services and effectiveness have the highest and lowest levels of importance, respectively.

Conclusion: Islamabad 2 neighborhood is in a better position than the Koshtargah neighborhood in having the right-to-the-city indicators.

KEYWORDS: Informal settlement, the right to city, neighborhood, Koshtargah and Islamabad 2, Urmia

ارزیابی تطبیقی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی شهری با تأکید بر مؤلفه‌های رویکرد حق به شهر (مطالعه موردی: محلات کشتارگاه و اسلام‌آباد ۲ شهر ارومیه)

علی صمدی^{۱*}، علی مصیب‌زاده^۲ و امیر ضیاءصابونچی^۳

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، مربی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، مؤسسه آموزش عالی آفاق، ارومیه، ایران.
 ۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
 ۳. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد تبریز، عضو هیات علمی مؤسسه آموزش عالی آفاق، ارومیه، ایران.
- * نویسنده مسئول، Email: a.samadi@afagh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۱ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۷ آبان ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: در طی سال‌های اخیر رویکرد حق به شهر به مثابه مفهومی موثر در بازتولید روابط اجتماعی و حق به زندگی، همواره مشارکت شهروندان را در شکل‌دهی به زندگی روزمره خود محور اساسی خود تعریف می‌کند. در این میان سکونتگاه‌های غیررسمی با سطح محرومیت بالا در دسترسی به خدمات، عملکردها و فعالیت‌های متنوع زندگی شهری، از ملزومات مهم در فرآیند مدیریت و برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌گردد.

هدف: تحقیق حاضر با هدفی کاربردی و روشی توصیفی-تحلیلی در تلاش است تا به ارزیابی تطبیقی محلات مطالعاتی از منظر میزان دسترسی و برخورداری از مولفه‌های رویکرد حق به شهر بپردازد.

روش‌شناسی: روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر محتوی توصیفی-تحلیلی و گردآوری بر روش‌های مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه است. تحلیل آزمون‌های بر اساس نمونه از گروه‌های متخصصین شهری و شهروندان براساس تکنیک سوارا، فریدمن و ویکور صورت گرفته است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: محلات کشتارگاه و اسلام‌آباد ۲ شهر ارومیه به واسطه اهمیت آن، محور مطالعاتی تحقیق را تشکیل می‌دهند. یافته‌ها و بحث: یافته‌ها نشان داد مولفه‌های تفاوت در عرضه خدمات عمومی و اثربخشی به ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت را به خود اختصاص داده است.

نتیجه‌گیری: همچنین محله اسلام‌آباد ۲ نسبت به محله کشتارگاه در وضعیت مناسب‌تری در برخورداری از مولفه‌های رویکرد حق به شهر قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: سکونتگاه غیررسمی، حق به شهر، محله، کشتارگاه و اسلام‌آباد ۲، ارومیه.

مقدمه

با گسترش سریع شهرنشینی در جهان و لزوم توجه به عملکرد مدیریت این سیستم های شهری مطالعه در زمینه زندگی شهری و شیوه های دسترسی ساکنان آن به حقوق شهروندی و برخورداری برابر آنها به این حقوق اهمیت زیادی می یابد (Carmen, 2020: 32). شکل گیری و توسعه سکونتگاه های غیررسمی یکی از معضلات اساسی کشورهای در حال توسعه جهان می باشد. توسعه صنعتی شهرها و ورود روابط جدید سرمایه داری منجر به افزایش میزان مهاجرت ساکنان روستایی به مناطق شهری گردید. در این میان با توجه به وضعیت اقتصادی نامطلوب مهاجران و نیازهای مربوط به امر مسکن، سکونتگاه های غیررسمی پا به عرصه وجود نهاد. پیش بینی های سازمان ملل حاکی از آن است که تا سال ۲۰۳۰ میلادی بیش از ۶۰ درصد جمعیت موجود، ساکن مناطق شهری خواهند بود (علیتاجر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). در این راستا، «فقر» مهمترین چالش توسعه جهانی خواهد بود که روند نامطلوب زندگی شهری گریبان گیر مردم خواهد بود و از این جهت به آمار ساکنین نواحی فرودست شهری و محلات غیررسمی افزوده خواهد شد. مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۳ میلادی در گزارش خود با عنوان «چالش سکونتگاه های غیررسمی» نواحی مذکور را نمود کالبدی-فضایی فقر و نابرابری تمرکز یافته در مناطق شهری بیان می کند که سطح کیفیت زندگی بسیار نامطلوبی داشته و فاصله زیادی با استانداردهای زندگی شهری دارند. وجود مسکن با کیفیت پایین و فقدان زیرساخت های کالبدی مناسب و اجتماع پذیری کم فضاها از نشانه های این سکونتگاه هاست که نتیجه آن ایجاد محیط های بی روح و بدون تعامل بوده و ساکنانی که سرگردانی اجتماعی و اقتصادی، عدم مشارکت، احساس تبعیض، پایین بودن تعلق شهروندی، کامروایی معوق و غیره از ویژگی های عمده شخصیتی آنها است (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۱). همچنین این سکونتگاه ها با تجمعی از اقشار کم درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی، زمینه ساز بسیاری از آسیب های اجتماعی به شمار می روند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲). در طی سال های اخیر نظریات متعددی از سوی اندیشمندان مطرح جهان پیرامون همین مباحث ارائه گردیده که رویکرد «حق به شهر» به عنوان مفهومی انسان مدار، همواره به ارتقاء و بهبود شرایط زیست بشری می اندیشد. هانری لوفور اندیشمند مطرح جهانی این رویکرد را در سال ۱۹۶۸ ارائه کرد. حق به شهر، حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییر دادن شهر است. به علاوه این، حقی عمومی و نه فردی است، چه این دگرگونی به طرز اجتناب ناپذیری وابسته به اعمال نیروی جمعی در تغییر شکل دادن به روند توسعه شهری و نیز مطالبه و دستیابی به ضروریات زندگی و حقوق شهری است. به بیانی دیگر می توان چنین گفت که حق به شهر یک حق جمعی و عمومی است و به یک مکان معین مربوط می شود که خود لوفور آن را حق به زندگی شهری می نامد (جلائی و دیندار سنگ جویی، ۱۳۹۴: ۲). حق به شهر نمایانگر حق ساکنان برای دسترسی کالبدی، تصرف و استفاده از فضای شهری برای تأمین نیازهای خودشان است (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). نظریه حق به شهر از این تمایل انسانی نشأت می گیرد که فرآیندهای قدرت و تصمیم گیری (Lesutis, 2020: 112) را که امتیازهایی را به گروه های معینی از شهروندان در مقابل سایر ساکنان می دهد به چالش بکشد (Carmen, 2020: 32). در واقع این رویکرد مبتنی بر برخورداری همه ساکنان شهر از فرصت های زندگی شهری است. ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی و دومین شهر پرجمعیت منطقه شمال غرب ایران به حساب می آید که در طی سال های اخیر به دلیل برخورداری از امتیاز مرکزیت اداری-سیاسی، همواره خدمات، تسهیلات و امکانات متنوعی را در دل خود جای داده است و زمینه های توسعه صنعتی را فراهم نموده است. از این رو، میزان مهاجرت مردم از روستاها و شهرستان های اطراف به شهر ارومیه در طی سال های اخیر افزایش چشمگیری را داشته است که از این نظر، شکل گیری و توسعه سکونتگاه های غیررسمی در محدوده اطراف و پیرامون شهر همواره روند افزایشی را داشته است. در این راستا، در تحقیق حاضر به ارزیابی تطبیقی وضعیت مولفه های حق به شهر در سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه (محلات اسلام آباد ۲ و کشتارگاه) اقدام شده است. محلاتی که عمده ساکنان آن در مشاغل غیر رسمی و کاذب مشغول به فعالیت هستند. وجود ساخت و ساز های غیر مجاز و همچنین اثرات نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی از ویژگی های اصلی این محلات میباشد در ادامه بر اساس یافته های تحقیق به ارائه برخی از پیشنهادات و سیاست های هدفمند در جهت بهبود وضع موجود و نیل به شرایطی مطلوب

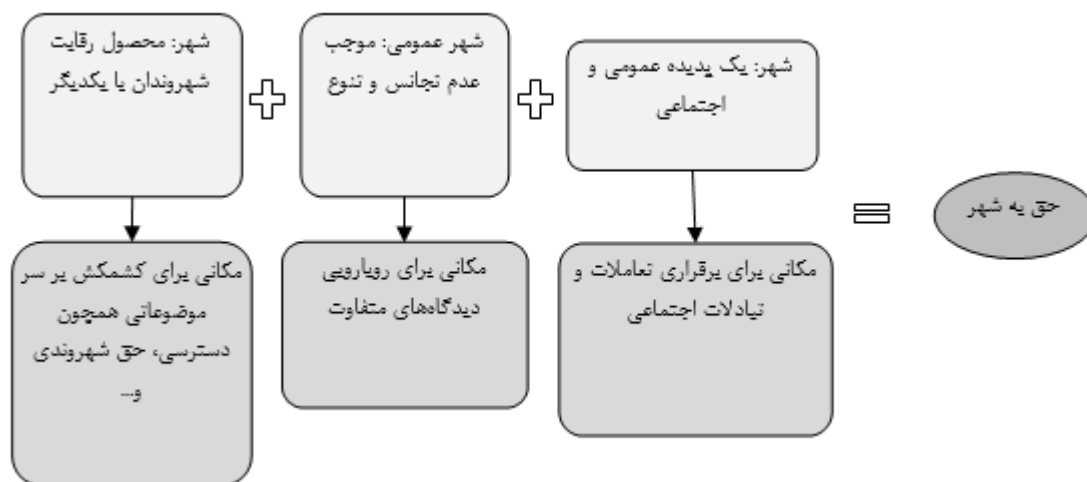
پرداخته میشود. همچنین اهداف فرعی تلاش در راستای شناسایی و اشاعه اهمیت مفهوم حق به شهر در مطالعات و چارچوب تئوریک و کمک به تدوین سیاست‌ها و راهکارهای عملی موثر در ارتقاء کیفیت محیطی و عملکردی محدوده‌های مطالعاتی را نیز دنبال می‌کند. به علاوه مطالعه حاضر در پی پاسخگویی به سوال زیر می‌باشد.

- مولفه‌های حق به شهر مورد ارزیابی در تحقیق حاضر در چه سطحی از اهمیت و اولویت قرار دارد؟

- کدام یک از محلات اسلام‌آباد ۲ و کشتارگاه شهر ارومیه وضعیت مطلوب‌تری را در امر برخورداری از مولفه‌های حق به شهر به خود اختصاص داده است؟

شهر در دوران مدرن همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است؛ از سویی تنها جایگاه زیستی است که به تمامی، بر ساخته امیال و آرزوهای انسانی برای اجتماعی زیستن است و از سوی دیگر مکان تبلور عینی بسیاری ناکامی‌ها و تبعیض‌های ضد انسانی است. فضای شهری در عصر سلطه سرمایه‌داری مملو از تناقض شده است. در روابط تولیدی سرمایه‌داری همه چیز به کالا تبدیل می‌شود، فضای شهری نیز به یکی از راهبردی‌ترین کالاهای آن تبدیل شده است (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴). در حال حاضر جنبش‌های شهری فعال در سراسر جهان می‌کوشند با تحقق حق به شهر انواع شهرنشینی سود محور و سوداگرانه‌ی کنونی را با نوعی شهرگرایی دموکراتیک شهروندمدار، پایدار و با شهرهایی متعلق به همه شهروندان که مشارکت اثربخش در امور مدیریت شهری و حق انتخاب دارند جایگزین کنند (برنر و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). عبارت حق به شهر اولین بار توسط جامعه‌شناس فرانسوی، هانری لوفور در سال ۱۹۶۸ میلادی و در قالب کتاب وی به کار گرفته شد. هانری لوفور یک متفکر فرانسوی بود که تأثیرات عمده‌ای در قرن بیستم داشت. کار او طیف وسیعی دارد، از فلسفه رادیکال تا جامعه‌شناسی روستایی تا مطالعات شهری تا تئوری دولت. پروژه فکری و سیاسی لوفور برای پیشنهاد نقد جامعه موجود به منظور باز کردن راهی به سمت جامعه‌های دیگر، جهانی ممکن فراتر از سرمایه‌داری، دولت و جامعه مصرفی بود. لوفور با طرح مفهوم حق به شهر رویکردی نو و رادیکال نسبت به شهر مطرح نمود و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را به چالش کشید (Mitchell, 2003: 19). حق به شهر نمایانگر حق ساکنان برای دسترسی کالبدی تصرف و استفاده از فضای شهری برای تامین نیازهای خودشان است (Massey, 1994: 189). لوفور معتقد بود فضاهای شهری پیش از دوران صنعتی شدن بسیار مطلوب‌تر از فضاهای شهری حال حاضر است. چراکه ارزش استفاده بر ارزش مبادله در دوران پیش از صنعتی شدن برتری داشته است. لوفور حق به شهر را با حق زندگی شهری پیوند می‌زند. شهر را نمی‌توان حقی ساده و قابل مشاهده دانست یا آن را بازگشتی به شهرهای سنتی تلقی کرد. «حق به شهر» تنها با دگرگونی و بازسازی حق زندگی شهری قابل تعریف است (Lefebvre, 1996: 156). نوشته‌های لوفور در رابطه با حق به شهر ساختارهای اجتماعی و سیاسی شهری قرن بیستم را با ارائه گونه‌ای جدید از شهروندی در سطح شهر و متفاوت از شهروندی رسمی متأثر دولت ملت به چالش می‌کشد تا ناهمگونی‌ها، فضاهایی مشترک و اخلاقیات اجتماعی را با خود مطرح نماید. این شهروندی از طریق مشارکت عمومی و روش‌های دموکراتیک قابل حصول است (Harvey, 2008: 32). حق به شهر یکی از مبانی نظری و فکری است که در جامعه جهانی جدید شکل گرفته است طلب حق به شهر به این دلیل است که ما بتوانیم در زندگی خود در فضای شهری تأثیر بگذاریم؛ زندگی‌ای که هر روزه با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. از این جهت علاوه بر این که ضرورتی برای جامعه جدید است نیازی اساسی نیز به شمار می‌رود (زارع شاه آبادی و غلامی، ۱۳۹۸). در واقع حق به شهر معنایی فراتر از تقسیم عادلانه شهر موجود یا حق برابر نسبت به آن دارد. پس حق به شهر، خلق شهری متفاوت است. فراخوان برای اجرای حق به شهر، چشم‌انداز جهانی بهتر را به شعار سیاسی، مفید و عملی تبدیل می‌کند؛ همان چشم‌اندازی است که فراتر از بازتوزیع منابع موجود می‌رود و حق تحقق ارزش‌های دیگر را که به زندگی انسان ارزش زندگی کردن می‌بخشند، مطالبه می‌کند (جودی گل‌لر، ۱۳۹۴: ۷).

امروزه حق به شهر در مقایسه با معنی و استفاده آن در کتاب ۱۹۶۸ لوفور معنی گسترده‌تری دارد. معنی و مفهوم حق به شهر در طی دهه‌های اخیر ضمن گسترش آن تغییر یافته است و به این ترتیب تنوعی از معناها را داراست که با مسائل مختلف شهر مقابله می‌کنند (Tuncer, 2017: 29)



شکل ۱. مفهوم دیدگاه حق به شهر از منظر هانری لوفور مآخذ: (Mitchel, 2003)

مفهوم بخش غیررسمی از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی منشأ می‌گیرد و از آن پس تبدیل به یک موضوع عمومی شده تا آن جایی که امروزه برای اهداف و معانی مختلفی به کار می‌رود (Sadrul Huda et al, 2009: 11) سکونتگاه‌های غیررسمی به مثابه یکی از پیامدها و ویژگی‌های بارز شهرنشینی معاصر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بوده‌اند (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۵۹). هم‌اکنون یک هشتم مردم جهان در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. در این میان ۸۸۱ میلیون نفر از ساکنین شهری کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۴ در این گونه سکونتگاه‌ها زندگی می‌کردند. در حالی که این تعداد در این کشورها در سال ۱۹۹۰ تنها ۶۸۹ میلیون نفر بود که هم‌اکنون حدود ۲۸ درصد افزایش یافته است (Habitat-UN, 2016: 57). بر این اساس سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یکی از آسیب پذیرترین سکونتگاه‌های شهری موضوعی شناخته شده در جهان است و پرداختن به آن ضرورت ویژه‌ای دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۶). حاشیه نشینی در مفهوم کلی شامل کسانی می‌گردد که در شهر سکونت دارند ولی به دلایل گوناگون نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهرشان شوند و از خدمات شهری بهره‌مند گردند. مسکن غیرمعمول، خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و باریک، مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی، فزونی و تراکم جمعیت، فقر فرهنگی و آسیب اجتماعی، آسیب‌پذیری در برابر حوادث طبیعی، سطح پایین برخورداری از تأسیسات و خدمات شهری، اشتغال غالب در مشاغل غیررسمی، تصرف غیرقانونی زمین و عدم مالکیت قانونی بر آن و... از ویژگی‌های اسکان غیررسمی است (احدنژاد و علی پور، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۵). این سکونتگاه‌ها با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی، زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲).

جدول ۱

انواع اسکان غیررسمی در شهرهای ایران

شرح	نوع
سکونتگاه‌هایی قانونی هستند، ولی بسیار پرجمعیت بوده و از لحاظ خدمات در سطح پایینی قرار دارند.	زاغه‌ها یا محلات فقیرنشین
سکونتگاه‌هایی غیرقانونی و غالباً فاقد طراحی از پیش اندیشیده شده هستند.	سکونتگاه‌های غصبی
دارای طرحی از پیش اندیشیده شده هستند، ولی به صورت غیرقانونی شکل گرفته‌اند.	سکونتگاه‌های با تفکیک غیرقانونی

مآخذ: (محمودی پاتی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۸۲)

جدول ۲

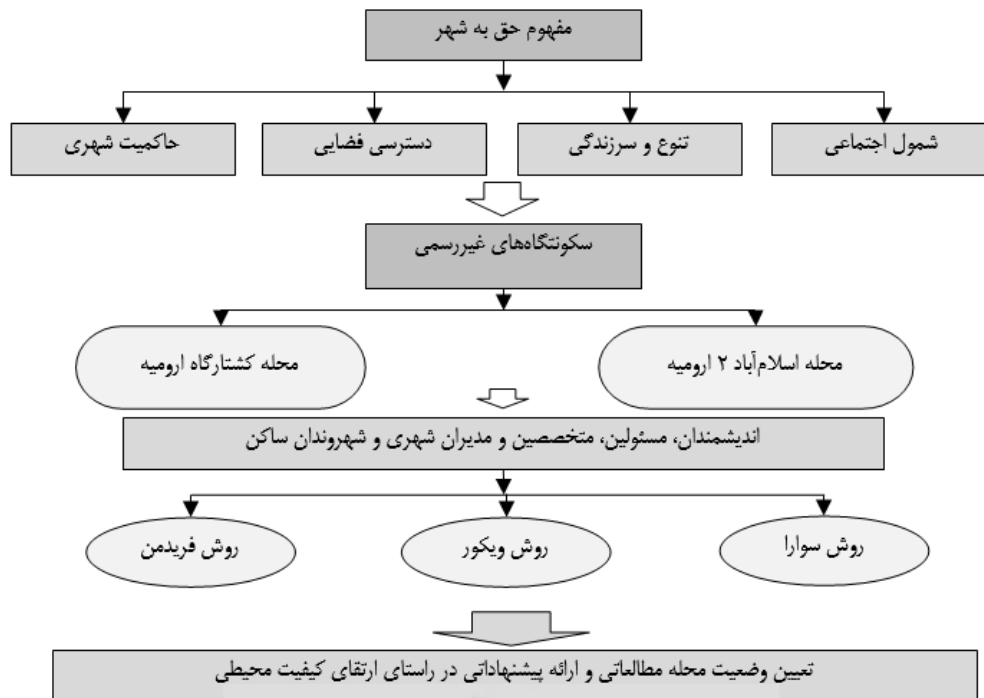
عمده‌ترین عوامل پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی در ایران

ردیف	شرح
۱	ضعف ساختاری شهرنشینی در مواجهه با نظام برونزا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی در سیر تکوینی شهرنشینی
۲	دومین علت در سطح کلان را نیز باید ساختاری دانست که سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه توزیع عادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد در جریان است.
۳	عدم پیش‌بینی فضای مسکونی کافی و مناسب اقشار کم‌درآمد در طرح‌های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان
۴	دسترسی ناچیز به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم‌درآمدها (به ویژه شاغلین در بخش غیررسمی)
۵	وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین‌باز به موازات اهمال و ناتوانی در نظارت و کنترل ساخت و سازها، به ویژه بینابینی شهرها
۶	فقدان نهادهای برای تجهیز و تجمیع منابع اقشار کم‌درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه‌سازی خودیار
۷	ضعف مدیریت شهری (به ویژه در هدایت، نظارت و کنترل)

مأخذ: (علیتاجر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۵)

سکونتگاه‌های غیررسمی بافت‌هایی هستند که بیشتر در حاشیه شهرها و کلان‌شهرهای کشور قرار دارند و خارج از برنامه رسمی توسعه شکل گرفته‌اند. ساکنان این بافت‌ها را گروه‌های کم‌درآمد و مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند. این بافت‌های خودرو که با سرعت ساخته شده‌اند فاقد ایمنی، استحکام، امنیت اجتماعی، خدمات و زیرساختهای شهری هستند (ترکمن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). در بیانی کلی، اسکان غیررسمی به شیوه و فضای خاصی از زندگی گفته می‌شود که در تمامی جهات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار، نحوه شکل‌گیری و سیر تحولات تاریخی با کل شهر و بخش مجاور خود تفاوت اساسی و فاحشی دارد (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹). در نهایت با استناد به یافته‌های حاصل به ارائه برخی از پیشنهادات و راهبردهای هدمند در راستای تحقق اهداف مطالعاتی اقدام شده است. در شکل زیر به چارچوب مفهومی تحقیق حاضر اشاره گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲. چارچوب مفهومی تحقیق

روش شناسی

تحقیق حاضر با هدفی کاربردی و روشی توصیفی-تحلیلی سعی دارد تا با بهره‌گیری از تجارب و مباحث به کار رفته در تحقیقات پیشین مرتبط با چارچوب تئوریک تحقیق و استفاده از آمار و اطلاعات سازمان‌ها و نهادهای رسمی به تجزیه و تحلیل و بررسی تطبیقی وضعیت محلات کشتارگاه و اسلام‌آباد ۲ شهر ارومیه از منظر سطح کیفی مولفه‌های حق به شهر و میزان تحقق‌پذیری آن‌ها بپردازد. در این میان روش‌های گردآوری اطلاعات تحقیق، اسنادی-کتابخانه‌ای و سازمانی-دولتی می‌باشد. ابزارهای مورد بررسی تحقیق مشتمل بر روش‌های کیفی و کمی می‌باشد که در آن به ترتیب از گزینه‌های مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه و آزمون‌های آماری سوارا و فریدمن و روش ویکور استفاده شده است. به دلیل اظهارنظر تخصصی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های ارزشمند و موثر در جهت بهبود وضع موجود، جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق (هدفمند) شامل گروهی از متخصصین، صاحب‌نظران، مدیران و مسئولین حوزه علوم شهری (تعداد ۳۰ نفر) می‌باشد که تسلط و آشنایی کافی به امور مختلف محلّه و توانایی تشخیص وضعیت و شرایط موجود (جهت وزن‌دهی مولفه‌های پیشنهادی) را دارند. همچنین در بخش تعیین وضعیت مولفه‌های پیشنهادی در هر یک از محلات مطالعاتی، شهروندان ساکن در محدوده‌ها مورد مصاحبه قرار گرفته که با استناد به تعداد جمعیت هر یک و با استفاده از روش کوکران، میانگین نظرات تعداد ۳۷۱ نمونه جهت تحلیل مورد بررسی قرار گرفته است. محاسبه مورد بهره‌گیری از طیف وزنی ۹ امتیازی از نظرات حجم نمونه تحقیق، اساس وضع موجود محلات را بیان می‌کند که با ورود آن در روش‌های کمی سوارا و فریدمن و ویکور، اهمیت هر یک از مولفه‌ها (روش سوارا و فریدمن) و وضعیت آن در محدوده‌های مطالعاتی (روش ویکور؛ رتبه‌بندی محلات مطالعاتی) روشن می‌یابد. در این بخش با بهره‌گیری از استنادات و منابع نظری مرتبط با حوزه مطالعاتی تحقیق حاضر به شناسایی و استخراج مولفه‌های موثر در ارزیابی وضعیت محدوده‌های مورد مطالعاتی اقدام شده است که در جدول زیر به نتایج آن اشاره گردیده است.

جدول ۳

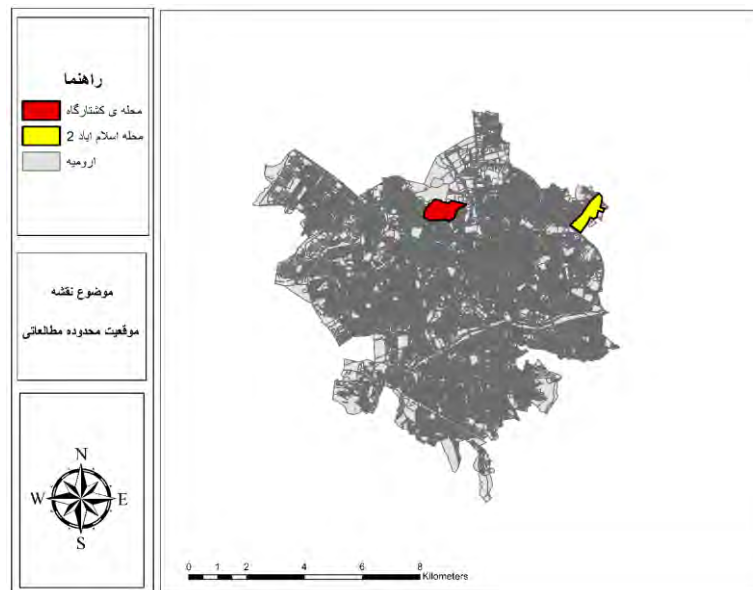
مولفه‌های انتخابی تحقیق

حق مشارکت شهری	حاکمیت شهری، شمول اجتماعی
حق به شهر	حق تخصیص فضا
تنوع و سرزندگی، دسترسی فضایی	پاسخگویی (a1)، اثربخشی (a2)، مشارکت فعال مردمی (a3)، برابری (a4)، انسجام اجتماعی (a5)، توانمندسازی (a6)، تفاوت در عرضه خدمات عمومی (a7)، امنیت (a8)، ارتباط افراد با مدیریت (a9)، تفریح و فراغت (a10)، دسترسی به سرپناه و خدمات (a11)، کنترل و مالکیت فضا (a12)

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان ارومیه یک از شهرستان‌های چهارده گانه استان آذربایجان غربی محسوب می‌گردد که در بخش میانی جای گرفته است. شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی است که طبق آخرین تقسیم‌بندی سیاسی به پنج بخش یا منطقه تقسیم گردیده است و همانند اکثر شهرهای ایران از معضل سکونتگاه‌های غیررسمی بی‌بهره نبوده است و طبق آخرین آمار رسمی در مجموع حدود ۲۳ محله مشتمل بر اسکان غیررسمی در سطح شهر شناسایی شده است. محله کشتارگاه شهر ارومیه به عنوان یکی از مورد پژوهی تحقیق حاضر، در بخش شمال غربی شهر و در دامنه‌های جنوبی و جنوب غربی تپه‌ای موسوم به جهودلر داغی (کوه بهودان) جای گرفته است. این محله با وسعت نسبی ۱۴۷ هکتار، در منطقه ۳ طرح تفصیلی شهر قرار دارد. طبق سرشماری دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در سال ۱۳۹۷، این محله دارای جمعیت ۱۱۷۳۱ نفر می‌باشد. حجم اصلی از ساکنین این محله در بازار غیررسمی مشغول به فعالیت هستند و حدود ۲۰ درصد از سرپرستان خانوار این محله بی‌کار بوده است. محله اسلام‌آباد ۲ مورد مطالعاتی دیگر تحقیق می‌باشد که در بخش شمال شرقی شهر واقع گردیده است. این محله با وسعت نسبی ۳۴ هکتار و جمعیت ۹۶۵۷ نفر در منطقه ۲ شهر ارومیه جای گرفته است. فقر نسبی به دنبال مهاجرت گسترده از مناطق روستا-شهری مهمترین معضل ساکنان محلات اسلام‌آباد ۲ و کشتارگاه به حساب می‌آید که از این نظر مسکن موجود در پایین‌ترین سطح کیفیتی قرار گرفته و از استانداردهای مقاومتی برخوردار نیستند. از نظر سطوح امنیت اجتماعی و وجود اعتماد و آسایش و رفاه اجتماعی نیز محدوده‌های مذکور در نامناسب‌ترین وضعیت قرار گرفته‌اند. همچنین مردم ساکن این محله از خدمات و عملکردهای متنوع شهری جهت تأمین نیازهای روزمره خود نیز بی‌بهره هستند که مشکلات حقوقی اراضی (از قبیل تفکیک، تصرف خرنده، تصرف عدوانی، احداث غیراصولی بناها، نوع مالکیت، تغییر کاربری) موجود در محله تأثیر زیادی را در این روال داشته است. در نقشه زیر به موقعیت جغرافیایی این محله در شهر ارومیه اشاره گردیده است.

پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی محدوده مطالعاتی

یافته ها و بحث

فرآیند تجزیه و تحلیل در مطالعه حاضر مشتمل بر موارد زیر است: ابتدا نتایج تحلیل توصیفی حاصل از گروه متخصصین حوزه علوم شهری که سهم موثری را در نتایج تحقیق داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بهره‌گیری از روش‌های کمی سوارا و فریدمن و با استناد به طیف وزن‌دهی ۹ امتیازی، ضریب اهمیت و اولویت هر یک از مولفه‌های پیشنهادی تحقیق محاسبه می‌گردد و در نهایت با استفاده از روش ویکور به رتبه‌بندی و تعیین اولویت هر یک از گزینه‌های انتخابی (محلات اسلام‌آباد ۲ و کشتارگاه) اقدام می‌گردد تا سطح مطلوبیت و میزان تحقق‌پذیری انگاشت حق به شهر در سکونتگاه‌ها مشخص گردد.

جدول ۴

نتایج تحلیل توصیفی تحقیق (حجم نمونه هدفمند)

ویژگی	شرح
تعداد حجم نمونه	۳۰ نفر
جنس	۸۰ درصد مرد
سن	۹۰ درصد بالای ۴۵ سال
مدرک تحصیلی	کارشناسی ارشد و بالاتر
حوزه فعالیت	۷۰ درصد اداری و سازمانی، ۳۰ درصد دانشگاهی
ساکن	شهر ارومیه

جدول ۵

نتایج وزن‌دهی مولفه‌های پیشنهادی تحقیق در روش سوارا (SWARA)

رتبه نهایی	$W_j = q_j / \sum q_j$	$q_j = q_{j-1} / k_j$	$K_j = S_j + 1$	S_j	مجموع امتیازات	برتری زیرمعیارها
۱	۰/۴۸۶۸	۱	۱	-	۲۶۴	A ₇
۲	۰/۲۴۷۲	۰/۵۰۷۸	۱/۹۶۹	۰/۹۶۹	۲۵۶	A ₁₁
۳	۰/۱۲۵۶	۰/۲۵۸	۱/۹۶۸	۰/۹۶۸	۲۴۸	A ₁₀
۴	۰/۰۶۴۹	۰/۱۳۳۴	۱/۹۳۵	۰/۹۳۵	۲۳۲	A ₄

۵	۰/۰۳۳۵	۰/۰۶۹	۱/۹۳۱	۰/۹۳۱	۲۱۶	A ₈
۶	۰/۰۱۸۲	۰/۰۳۷۵	۱/۸۴۲	۰/۸۴۲	۱۸۲	A ₁₂
۷	۰/۰۱۰۲	۰/۰۲۱	۱/۷۹۱	۰/۷۹۱	۱۴۴	A ₁
۸	۰/۰۰۵۷	۰/۰۱۱۷	۱/۷۷۷	۰/۷۷۷	۱۱۲	A ₆
۹	۰/۰۰۳۳	۰/۰۰۶۹	۱/۶۹۶	۰/۶۹۶	۷۸	A ₉
۱۰	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۴۳	۱/۵۸۹	۰/۵۸۹	۴۶	A ₅
۱۱	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۲۷	۱/۶۰۸	۰/۶۰۸	۲۸	A ₃
۱۲	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۱۷	۱/۵۷۱	۰/۵۷۱	۱۶	A ₂
	۲/۰۵۴				Σq _j	

جدول ۶

نتایج حاصل از آزمون فریدمن

A ₁₂	A ₁₁	A ₁₀	A ₉	A ₈	A ₇	A ₆	A ₅	A ₄	A ₃	A ₂	A ₁	F.T.
۶/۸۲	۱۰/۶۲	۱۰/۰۳	۴/۰۷	۸/۱	۱۱/۶۲	۵/۱	۳/۰۲	۹/۱۸	۲/۰۲	۱/۱۷	۶/۲۷	Mean Rank

جدول ۷

نتایج معناداری آماری آزمون فریدمن

.Asymp. Sig.	df	Chi-Square	N	Test Statistics
...	۱۱	۳۱۷/۶۸۶	۳۰	مقدار

بر اساس یافته‌های حاصل از روش سوارا و فریدمن، ابعاد دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی اهمیت بیشتری را از نظر متخصصین، اندیشمندان و مسئولین شهری در رویکرد حق به شهر به اختصاص داده است. طبق نتایج جدول فوق، مولفه‌های تفاوت در عرضه خدمات عمومی (با وزن نهایی ۰/۴۸۶۸ در روش سوارا و وزن نهایی ۱۱/۶۲ در آزمون فریدمن)، دسترسی به سرپناه و خدمات (با وزن نهایی ۰/۲۴۷۲ در روش سوارا و وزن نهایی ۱۰/۶۲ در آزمون فریدمن) و تفریح و فراغت (با وزن نهایی ۰/۱۲۵۶ در روش سوارا و وزن نهایی ۱۰/۰۳ در آزمون فریدمن) به ترتیب در بیشترین سطح اهمیت و اولویت نسبت به سایر مولفه‌ها از منظر حجم نمونه هدفمند تحقیق جای گرفته است. به علاوه مولفه‌های اثربخشی (با وزن نهایی ۰/۰۰۰۸ در روش سوارا و وزن نهایی ۱/۱۷ در آزمون فریدمن)، مشارکت فعال مردمی (با وزن نهایی ۰/۰۰۱۳ در روش سوارا و وزن نهایی ۲/۰۲ در آزمون فریدمن) و انسجام اجتماعی (با وزن نهایی ۰/۰۰۲۱ در روش سوارا و وزن نهایی ۳/۰۲ در آزمون فریدمن) پایین‌ترین سطح اهمیت و اولویت را در میان مولفه‌های حق به شهر به خود اختصاص داده است. وجود تبعیض در ارائه و استقرار خدمات و عملکردهای متنوع عمومی، دوری از خدمات و فعالیت‌های عمومی و اصلی شهری، عدم برخورداری از استانداردهای نوین زندگی شهری (از جمله در حوزه مسکن) و عدم جذب در فرآیند اقتصادی و اجتماعی شهری از عوامل مهمی است که تأثیر مستقیم و قابل توجهی در روال وزن‌دهی داشته است.

همچنین قابل ذکر است بر اساس یافته‌های آزمون فریدمن در جدول ۷، مقدار P-Value برابر با صفر می‌باشد و چون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، پس بین مولفه‌های انتخابی از نظر سطح ارزش و اهمیت، تفاوت معناداری وجود دارد و مولفه‌ها از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند.

در ادامه با استفاده از آزمون رتبه‌بندی ویکور به محاسبه سطح اولویت هر یک از گزینه‌های پیشنهادی (محلات مطالعاتی) اقدام می‌گردد. در این بخش نیز با بهره‌گیری از میانگین نظرات شهروندان ساکن در محدوده مطالعاتی و با استفاده از طیف وزن‌دهی ۹ امتیازی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. قابل ذکر است در مراحل بعدی هر یک از محلات

کشتارگاه و اسلام‌آباد ۲ با حروف اختصاری X و Y مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به نتایج تفصیلی این روش اشاره شده است.

در مرحله اول به تشکیل ماتریس تصمیم مسأله اقدام می‌گردد. در این ماتریس مولفه‌های تحقیق در ستون‌ها و گزینه‌های پیشنهادی (محلات مطالعاتی) نیز در سطرها جای می‌گیرد.

جدول ۸

تشکیل ماتریس تصمیم

A ₁₂	A ₁₁	A ₁₀	A ₉	A ₈	A ₇	A ₆	A ₅	A ₄	A ₃	A ₂	A ₁	a _{ij}
۲	۳	۲	۳	۲	۲	۳	۵	۵	۴	۲	۲	X
۴	۲	۱	۶	۴	۳	۴	۲	۳	۲	۴	۳	Y

در مرحله بعدی، به نرمال‌سازی ماتریس وزنی (تشکیل ماتریس تصمیم بی‌مقیاس شده)، تعیین نقطه ایده‌آل مثبت و منفی و تعیین بردار وزن معیارها اقدام می‌گردد که در روش حاضر از وزن‌های بدست آمده از روش سوارا بهره گرفته شده است.

جدول ۹

ماتریس تصمیم نرمال‌یز شده (ماتریس نرمال)

A ₁₂	A ₁₁	A ₁₀	A ₉	A ₈	A ₇	A ₆	A ₅	A ₄	A ₃	A ₂	A ₁	a _{ij}
۴	۹	۴	۹	۴	۴	۹	۲۵	۲۵	۱۶	۴	۴	X
۱۶	۴	۱	۳۶	۱۶	۹	۱۲	۲	۹	۴	۱۶	۹	Y
۲۰	۱۳	۵	۴۵	۲۰	۱۳	۲۱	۲۷	۳۴	۲۰	۲۰	۱۳	Σ
۰/۴۴۷	۰/۸۳۲	۰/۸۹۴	۰/۴۴۷	۰/۴۴۷	۰/۵۵۵	۰/۶۵۵	۰/۹۶۲	۰/۸۵۷	۰/۸۹۴	۰/۴۴۷	۰/۵۵۵	X
۰/۸۹۴	۰/۵۵۵	۰/۴۴۷	۰/۸۹۴	۰/۸۹۴	۰/۸۳۲	۰/۸۷۳	۰/۳۸۵	۰/۵۱۴	۰/۴۴۷	۰/۸۹۴	۰/۸۳۲	Y

جدول ۱۰

ماتریس نرمال وزنی

A ₁₂	A ₁₁	A ₁₀	A ₉	A ₈	A ₇	A ₆	A ₅	A ₄	A ₃	A ₂	A ₁	a _{ij}
۰/۰۱۸	۰/۲۴۷	۰/۱۲۶	۰/۰۰۳	۰/۰۳۴	۰/۴۸۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۶۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱	W
۰/۰۰۸	۰/۲۰۶	۰/۱۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۰/۹۷۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۵۶	۰/۰۰۱	۰	۰/۰۰۶	X
۰/۰۱۶	۰/۱۳۷	۰/۰۵۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۴۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	Y
۰/۰۱۶	۰/۲۰۶	۰/۱۱۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۹۷۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	F ⁺
۰/۰۰۸	۰/۱۳۷	۰/۰۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۰/۴۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	۰	۰/۰۰۶	F ⁻
۰/۰۰۸	۰/۰۶۹	۰/۰۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۰/۵۶۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱	۰	۰/۰۰۳	F ⁺ -F ⁻
۰/۰۰۸	۰	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۰	۰/۰۰۱	۰	۰	۰	۰	۰/۰۰۳	X
۰	۰/۰۶۹	۰/۰۵۶	۰	۰	۰/۵۶۹	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱	۰	۰	Y

در ادامه فاصله نسبی گزینه‌ها از نقطه ایده‌آل و مقدار حداکثر ناراحتی گزینه‌ها از دوری از نقطه ایده‌آل محاسبه می‌گردد. در نهایت شاخص ویکور برای هر گزینه نیز بدست می‌آید که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱۱

تعیین سودمندی و تأسف و شاخص نهایی ویکور

A ₁₂	A ₁₁	A ₁₀	A ₉	A ₈	A ₇	A ₆	A ₅	A ₄	A ₃	A ₂	A ₁	a _{ij}
۰/۰۱۸	۰	۰	۰/۰۰۳	۰/۰۳۴	۰	۰/۰۰۶	۰	۰	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱	X
۰	۰/۲۴۷	۰/۱۲۶	۰	۰	۰/۴۸۷	۰	۰/۰۰۲	۰/۰۶۵	۰/۰۰۱	۰	۰	Y
۰/۰۳۴		R ⁺	۰/۰۷۲		S ⁺	۰/۰۷۲				۰/۰۳۴		X
۰/۴۸۷		R ⁻	۰/۹۲۸		S ⁻	۰/۹۲۸		S		۰/۴۸۷	R	Y

جدول ۱۲

رتبه‌بندی نهایی گزینه‌های پیشنهادی تحقیق

Q	گزینه
۱	X (کشتارگاه)
۰	Y (اسلام‌آباد ۲)

طبق یافته‌ها و نتایج حاصل از جداول فوق (نظر شهروندان ساکن در محلات مطالعاتی بر اساس وضعیت و شرایط موجود محیط زندگی خود)، محله کشتارگاه در مولفه‌های برابری و انسجام اجتماعی مطلوب‌ترین وضعیت را به خود اختصاص داده است. همچنین در مولفه‌های پاسخگوئی، اثربخشی، تفاوت در عرضه خدمات عمومی، امنیت، تفریح و فراغت و کنترل و مالکیت فضا در نامناسب‌ترین وضعیت ممکن قرار گرفته است. در محله کشتارگاه به علت جود نگاهی امنیتی به ساکنین این منطقه همواره مولفه‌هایی مانند: مالکیت فضا و عرضه خدمات عمومی با بحران مواجه بوده است به علاوه محله اسلام‌آباد ۲ در مولفه‌های ارتباط افراد با مدیریت و تفریح و فراغت به ترتیب در مناسب‌ترین و نامناسب‌ترین شرایط جای گرفته است. از جمله عللی که باعث پایین آمدن وضعیت تفریح و فراغت در محله اسلام‌آباد ۲ شده و کیفیت زندگی شهروندان را دچار بحران کرده است، می‌توان به عدم توجه به سرانه فضای سبز در این محلات اشاره کرد.

شرایط کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی موجود در محله کشتارگاه حاکی از آن است که این محدوده به دلیل دوری از حوزه خدمات شهری و عدم مشارکت در دادوستدهای توسعه‌ای مختلف همواره در شرایط نامناسبی قرار دارد. سطح کیفی مسکن نیز در این محله در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارد. همچنین عدم مهارت کافی مهاجران در جذب شدن به نظام اقتصادی شهر از جمله علل پایین بودن شاخص‌ها در این محله می‌باشد. فقدان سرمایه‌گذاری در این حوزه، عدم حمایت نهادهای دولتی و سازمانی، وضعیت نامناسب در عامل فقر (سطح درآمد خانوار) و عدم توانایی کافی در ساخت و ساز مورد انتظار و مشکلات عمده در نوع مالکیت مسکن عوامل مهمی است که ساکنان محله مذکور با آن دسته و پنجه نرم می‌کنند. به علاوه محله کشتارگاه به دلیل عدم برخورداری از فعالیتهای متنوع خدماتی، تفریحی، ورزشی و فرهنگی و... (زیرساخت‌های حیاتی) با مشکلات متنوعی در حوزه اوقات فراغت روبه‌رو است که همه این عوامل سبب می‌گردد ساکنان این محله از سطوح رفاه و کیفیت زندگی، آسایش عمومی، رضایت از زندگی، امنیت عمومی، جذابیت و سلامت محیطی، اجتماع‌پذیری و حس همبستگی و انسجام محروم باشند.

محله اسلام‌آباد ۲ نیز یکی دیگر از سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ارومیه و مورد مطالعاتی تحقیق حاضر می‌باشد. این محله نیز جزء محدوده قانونی شهر می‌باشد، اما به دلیل وجود ساخت‌وسازهای غیرمجاز و غیراصولی در محدوده مذکور، خدمات شهری مناسبی به ساکنان آن ارائه نمی‌گردد. بافت‌های عمده این محله از تأسیسات زیربنایی اساسی محروم هستند و احداث بناهای غیراصولی و غیرقانونی در آن مشاهده می‌گردد. کیفیت کالبدی نامناسب مسکن، دوری از خدمات و عملکردهای ضروری زندگی شهری و ناامنی تصرف (تضمین سکونت) نیز از مشکلات عدیده این محله محسوب می‌گردد که در فرآیند وزن‌دهی و دیدگاه شهروندان مصاحبه‌شونده تأثیر مستقیمی داشته است.

در این راستا طبق نتایج کلی، محله اسلام‌آباد ۲ با وزن نهایی ۰ نسبت به محله کشتارگاه با وزن نهایی ۱، وضعیت مطلوب‌تری را در امر دسترسی و برخورداری از مولفه‌های انتخابی رویکرد حق به شهر در مطالعه حاضر به خود اختصاص داده است.

نتیجه‌گیری

امروزه اسکان غیررسمی با توجه به پیامدهای آن، امری بسیار پیچیده و چندبعدی شهری است. توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی تا حدود زیادی به عملکرد دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دخیل در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری وابسته است. بی‌توجهی از سوی این عناصر منجر به شکست طرح‌ها خواهد شد. در این میان حضور فعال ساکنان محدوده‌های مطالعاتی و مشارکت آگاهانه در فرآیند احیای آن همواره در روند موفقیت طرح‌ها تأثیر بسزایی را داشته است. زیرا طبق گزارش مطالعات مختلف جهانی، مداخله در بافت‌های مسکونی و سکونتگاه‌های غیررسمی بدون توجه به مشارکت ساکنان، نتایج مطلوبی را به همراه ندارد. در طی سال‌های اخیر رویکرد حق به شهر به عنوان دیدگاهی اجتماعی و انسان‌مدار در کانون توجه مدیران، اقتصاددانان، مسئولین و اندیشمندان حوزه علوم شهری جای گرفته است. این مفهوم همواره به سیاست «شهرهای متعلق به همه شهروندان» پایبند بوده است. در تحقیق حاضر نیز با بهره‌گیری از نظریات و دیدگاه‌های مرتبط با انگاشت حق به شهر (با تأکید بر تجارب نظریه‌پرداز فرانسوی «هانری لوفور») به بررسی تطبیقی وضعیت محلات کشتارگاه و اسلام‌آباد ۲ شهر ارومیه از منظر میزان دسترسی و تحقق‌پذیری سطوح کیفی و کمی مولفه‌های حق به شهر اقدام شد. ابزار مورد بررسی نیز شامل روش‌های مصاحبه، مشاهده و ابزار پرسشنامه بود. همچنین روش‌های تجزیه و تحلیل کمی مبتنی بر آزمون‌ها و روش‌های سوارا و فریدمن (جهت وزن‌دهی و تعیین سطح اهمیت هر یک از مولفه‌های انتخابی) و ویکور (جهت رتبه‌بندی و محاسبه اولویت گزینه‌ها یا محلات پیشنهادی) انتخاب شده بود. جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق نیز مشتمل بر دو گروه متخصصین و مسئولین صاحب نظر و شهروندان ساکن در محلات مورد مطالعه بود که به ترتیب جهت وزن‌دهی مولفه‌ها و رتبه‌بندی گزینه‌ها مورد مصاحبه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مولفه‌های تفاوت در عرضه خدمات عمومی و اثربخشی به ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت و ارزش را در میان سایر مولفه‌ها از دیدگاه حجم نمونه هدفمند به اختصاص داد. همچنین بر اساس رتبه‌بندی گزینه‌ها، محله اسلام‌آباد ۲ نسبت به محله کشتارگاه در وضعیت مناسب‌تری در برخورداری از مولفه‌های رویکرد حق به شهر جای گرفت. همچنین وجه تمایز و برتری این تحقیق را نسبت به سایر تحقیق‌هایی که در این حوزه انجام شده است را میتوان در: (۱) تحلیل تطبیقی محلات هدف (۲) بهره‌مندی از نظرات متخصصین (۳) انتخاب محلات شاخص و مطرح شهر (۴) استفاده از روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) برای دستیابی به نتایج بهتر (۵) استفاده از روش نوین کمی (Swara) (۶) سکونتگاه‌های غیررسمی را با مفهومی مدنی به نام حق بر شهر ارزیابی کرده است.

در نهایت با هدف بهبود وضع موجود و نیل به محیطی پایدار و قابل زندگی به ارائه برخی پیشنهادات و سیاست‌ها پرداخته می‌شود که به آن‌ها اشاره می‌گردد.

- تلاش در راستای بهره‌مندی از نظرات تمامی ساکنین و مشارکت و حضور فعالانه آن‌ها در طرح‌ریزی؛
- دسترسی شفاف به آمار و اطلاعات وضعیت محیط‌های مطالعاتی؛
- تأکید و توجه بر شهرسازی عدالت‌محور در برنامه‌ریزی و طراحی امور مختلف توسعه‌ای؛
- اجرای برنامه‌هایی هدفمند در راستای کارآفرینی و افزایش اشتغال‌زایی محلی؛
- برگزاری همایش‌ها و برنامه‌های متنوع فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و... جهت پر کردن اوقات فراغت مردم؛
- ایجاد و توسعه فضاهای عمومی سبز و خلاق جهت تأمین نیازهای فراغتی با تأکید بر قشر کودکان؛
- ساماندهی وضعیت مالکیت‌های مسکن از سوی نهادهای دولتی (رسمی‌سازی)؛ و
- اتخاذ اقداماتی در راستای تسهیل دسترسی به خدمات و عملکردهای موردنیاز زندگی شهری.

- فراهم آوردن شرایطی در جهت افزایش ارتباط ساکنین با مدیران و مسئولان حوزه شهری
- و تأکید و توجه بر بهبود میزان انسجام و تعاملات اجتماعی میان مردم

منابع

- Ahadnejad, M., Alipour, S. (2013). The assessment of intervention trend in Informal settlement areas with emphasis on demolition and clearance policy (A case Study, Islamabad of Karaj city 1995-2012). *Journal of Research and Urban Planning*, 4(14), 7-30. (In Persian)
- Alitajer, S., Sajadzadeh, H., Saadativaghar, P., Shahbazi, M. (2016). The Role of Physical Factors in the Sociopetalness of Informal Settlements: The Case of Hesar-e Emam and Dizaj Neighborhoods in Hamedan. *Journal of Research and Urban Planning*, 7(24), 61-82. (In Persian)
- Brenner, N., Marcuse, P., Meyer, M. (2017). *Cities for the people, not for business (critical urban theory and the right to the city)*. Translated by Mahmoud Abdollahzadeh, Cultural Research Office Publications, tehran, Iran.
- Carmen, M.(2020), The more-than-human right to the city: A multispecies reevaluation, *Journal of Urban Affairs*, Published online: 03 Apr 2020.
- Habibi, M., Amiri, M. (2015). Right to the City from Current to Ideal City. *Iranian Journal of Anthropology Research*, 5(2), 9-30. (In Persian)
- Harvey, D. (2008). The right to the city. *The City Reader*, 6(1), 23-40.
- Iran dust, K. (2010). A Brief Experience of Empowering Informal Settlements (Sample: Kermanshah). *Geography and Development Iranian Journal*, 8(20), 59-78. (In Persian)
- Jalali, N., Dindar Sangjuyi, H. (2015). The right to the city the right to a better life and a necessity. First Annual Conference on Architectural, Urban Planning and Management Research, 1-12. (In Persian)
- Judi Gollor, P., Zamanian, R., Fathi, H. (2015). Tracking the notion of justice in city and urbanization theories: critical urban theory and the theory of the right to the city. *HAFTSHAHR*, 4(49, 50), 100-113. (In Persian)
- Lefebvre, H. (1996). *The Urban Revolution*. (R. Bononno, Trans.) Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Lesutis, G (2020), Planetary urbanization and the “right against the urbicidal city”, *Urban Geography*, Published online: 20 May 2020.
- Masse, D. (1994). *Space, Place and Gender*, Minneapolis: Minnesota University Press.
- Mahmudi Pati, F., Mohammadpour Omran, M. (2008). *Urban land management policies*. Shahidi Publications, Tehran, Iran. (In Persian)
- Meshkini, A., Zayyari, K., Kalantari, M., Parhiz, F. (2013). Spatial-Physical Analysis of Social Abnormalities in Informal Settlement Areas (Case Study: Islamabad Informal Settlement Area in Zanjan). *Human Geography Research*, 45(2), 1-16. (In Persian)
- Mitchell, D. (2003). *The Right to the City: Social justice and the fight for public space*. New York: The Guilford Press.
- Mohamadi, A., Ashouri, K., Robati, M. (2016). Evaluating the Components of Institutional and Social Resilience in Urban Spontaneous Settlements (Case Study: Naisar Separated Urban District in Sanandaj). *Journal of Urban Studies*, 6(22), 75-88. (In Persian)
- Nagdi, A. (2007). *Marginalization and informal settlement*. (Fourth World), Fanavaran Publishing, Hamedan, Iran. (In Persian)
- Pourmohammadi, M., Roostaei, S., Khezhnezhad, P. (2019). Impact of the Right to City on Sense of Belonging among Gender Groups (Case Study: Urmia Public Spaces). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 10(4), 195-222. (In Persian)
- Rahbari, L., Sharepour, M. (2013). Gender and Right to the City: A Test of Lefebvre's Theory. *Iranian Journal of Sociology*, 15(1), 116-141. (In Persian)
- Rahbari, L., Sharepour, M. (2014). *Gender Differences in Enjoying the Right to the City in Tehran*, Tisa Publications, Tehran, Iran. (In Persian)
- Sadrul Huda, S.S.M., Sayeed Alam, M., Yunus Khan, M. (2009). A comparative study of women entrepreneurs formal and informal economy: a study of dbaka city. *asian journal of business and management*, 1(1), pp: 19-23.
- sajjadzadeh, H., izadi, M., hagh, M. (2016). The Relationship between Spatial Configuration and Environmental Variables in Informal Settlements, Case study: Hesar Neighborhood in Hamedan. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va ShahrSazi*, 21(3), 15-26. (In Persian)

- Torkman Niya, N., Ghorbani, R., Kharazmi, O. (2019). Systematic Evaluation of Effective Factors in Establishing and Developing Informal Settlements in Mashhad Metropolis. *Geography and Urban Space Development*, 5(2), 23-42. (In Persian)
- Tuncer, M., 2017, Urban Aging and the Right to the City: Experiences of Elderly in Kadikoy, Sociology MA Program, Supervisor, Kenan Cayir, Istanbul University.
- UN-HABITAT. (2016). World cities report 2016: urbanization and development, emerging futures. Nairobi, Kenya.
- Zareh, A., Gholami, M. (2019). The Relationship between the Right to the City and the Sense of Belonging Between Citizens 18 Years old up in Yazd city. *Journal of National Studies*, 20(78), 95-109. (In Persian)

How to Cite:

Samadi., A, Mosayyebzadeh, A & Ziya Sabunchi, A. (2022). Comparative assessment of informal urban settlements with emphasis on the right-to-the-city approach. *Geographical Engineering of Territory*, 6(3), 647-660.

ارجاع به این مقاله:

صمدی، علی، مصیب‌زاده، علی و ضیاء‌صابونچی، امیر. (۱۴۰۱). ارزیابی تطبیقی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی شهری با تأکید بر مؤلفه‌های رویکرد حق به شهر (مطالعه موردی: محلات کشتارگاه و اسلام‌آباد ۲ شهر ارومیه). *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶(۳)، ۶۴۷-۶۶۰.

